

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۴۳-۱۶۲

بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان

مرتضی توکلی، کاظم تاجبخش*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۵/۱۴

چکیده

مقاله حاضر که در پی تبیین سرمایه اجتماعی و سنجش آن در مناطق مرزی شرق کشور ایران می‌باشد، ضمن توضیح اجمالی مفهوم سرمایه اجتماعی و سیر تکاملی آن و همچنین رابطه آن با اعتماد که یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است، سطح و توزیع سرمایه اجتماعی را در منطقه سیستان بررسی می‌کند. در این مقاله، از روش میدانی بهره گرفته شده است. با توجه به اینکه تفکر رشد نقاط شهری در مناطق مرزی در حال شیوع است و عمده‌ترین عامل حراست از مرزها توسط اجتماعات محلی نیز سرمایه و اعتماد اجتماعی است، بر اساس فرضیه تحقیق، تفاوت معنی‌داری بین سطح سرمایه اجتماعی در نقاط شهری و روستایی در سطح منطقه سیستان وجود دارد. بنابراین، با توجه به نتایج حاصله، در صورتی که اندیشه رشد نقاط شهری در مناطق مرزی با هزینه تخلیه روستاها توأم باشد، که در آنها سرمایه اجتماعی بیشتر است، قطعاً این اندیشه نامناسب خواهد بود و با ضرورت‌های ژئوپولیتیکی منافات خواهد داشت.

* به ترتیب، عضو هیئت علمی دانشگاه زابل (tavakoly52@gmail.com) و دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل (kazem_tajbakhsh@yahoo.com)

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی / مشارکت / مناطق شهری / مناطق روستایی / سیستان.

* * *

مقدمه

منظور از سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی نظیر شبکه‌ها و هنجارهاست که از طریق آن همکاری بین افراد برای کسب سود متقابل تسهیل می‌شود. سابقه نظری این مفهوم به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد و اولین بار توسط هانیفان^(۱) و سپس، در سال ۱۹۶۱، توسط جین جاکوبز^(۲) مطرح شد، ولی استفاده از آن در عرصه سیاست اجتماعی در چند دهه اخیر رواج یافته است. اکنون در بسیاری از رشته‌های علمی از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد از سرمایه اجتماعی سخن گفته می‌شود. همچنین، در سطوح مختلف سیاست‌گذاری از محلی گرفته تا ملی و همچنین، در برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، از این مفهوم بسیار یاد می‌شود. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیر برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. به‌طور کلی، در نظام اجتماعی، سه عنصر متخاصم وجود دارد که باید بین آنها تعادل برقرار کرد: دولت، اجتماع، و بازار. ارتباط سالم بین این سه حوزه به تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

این مقاله به بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در منطقه مرزی سیستان در شرق کشور می‌پردازد. در چارچوب نظری مقاله، توضیح داده می‌شود که سابقه استفاده از سرمایه اجتماعی مربوط به چه زمانی است و توسط چه کسانی توسعه و تکامل یافته است. همچنین، در مبحث سیر تکاملی نظریه سرمایه اجتماعی، در مورد سطوح سرمایه اجتماعی و جایگاه آن بحث می‌شود. سپس، به تعاریف مختلف اندیشمندان این رشته پرداخته می‌شود، و به دلیل اینکه اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان در تعاریف خود بر اعتماد تکیه داشته‌اند، مبحث بعدی به رابطه سرمایه اجتماعی و اعتماد اختصاص دارد. در بخش بعدی این مقاله، سطح و توزیع سرمایه اجتماعی به‌طور کلی بررسی می‌شود و در آن بالاترین و پایین‌ترین سطح سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود و دیدگاه‌هایی در

مورد علل آن بیان می‌شود. مواد، روش‌ها و خصوصیات منطقه و ویژگی‌های جغرافیایی و وضعیت مرزی سیستان موضوعات بخش‌های بعد را تشکیل می‌دهند. نهایتاً در بخش آخر که نتیجه پژوهش می‌باشد، به تحلیل و تفسیر داده‌ها پرداخته می‌شود. این داده‌ها از طریق میدانی تهیه شده است و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. قطعاً پرداختن به اهمیت و ضرورت سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه روستایی به‌خصوص در مناطق مرزی و همچنین، تعیین تفاوت‌های مکانی آن به منظور بررسی و تحلیل اثرات و تبعات تصمیم‌گیری‌ها دارای ارزش خاصی است. قاعدتاً در خصوص اتخاذ راهبردهای ژئوپولیتیکی به منظور توجه به مناطق مرزی کشور به‌ویژه منطقه سیستان که دارای شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی، سابقه تاریخی و در عین حال، اختلاط قومیت‌هاست، ضرورت دارد که رشد شهرهای مرزی به تخلیه و حذف روستاها منجر نشود، زیرا اصلی‌ترین عامل مرزداری وجود پیوند، اعتماد، و سرمایه اجتماعی است که در سطح روستاها بیشتر به چشم می‌خورد.

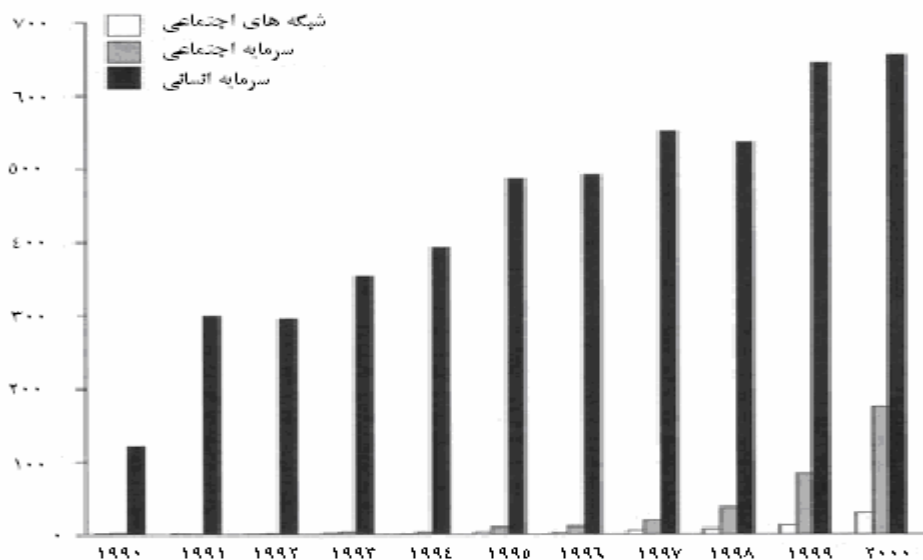
چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که به‌طور عادی و روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ گرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه اجتماعی مفهومی قدیمی است، اما تنها اصطلاحی است که اخیراً به‌خوبی ابداع شده است (Bankston and Zhou, 2002; Labonte, 1999; Lazega and Pattison, 2001; Portes and Sensenbrenner, 1993; and Putnam, 1995).

سرمایه اجتماعی با مفاهیمی از قبیل جامعه مدنی و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (Adam and Roncevic, 2003). این مبحث همچنین با نویسندگان مکتب تاریخی از قبیل دورکیم^(۳)، زیمل^(۴)، مارکس^(۵)، وبر^(۶)، و دیگران و با نظریه‌هایی از قبیل نظریه مبادله اجتماعی و نظریه قرارداد روان‌شناسی پیوند یافته است (Watson and Papamarcos, 2002). پیشرفت جدید مفهوم سرمایه اجتماعی از سه تألیف کلیدی، بوردیو^(۷)، کلمن^(۸) و پاتنام^(۹) و تعدادی تألیفات دیگر با همکاری جریان

نظریه چندنظمی پدید آمده است. سرمایه اجتماعی معطوف به ارتباطات اجتماعی میان مردمی است که به نتایج پرباری دست یافته‌اند (Szreter, 2000).

اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها، و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود (Adam and Roncevic, 2003). اصل وجودی سرمایه اجتماعی راه‌حلی برای مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد عقب‌مانده و حکومت کم‌بازده به‌شمار می‌رود (Boix and Posner, 1998). در ۱۵ سال گذشته، در منابع مربوط به سرمایه اجتماعی رشدی به لحاظ تعریف‌های ارائه شده وجود داشته است (Aldridge et al., 2002; and Halpern, 2001). مفهوم سرمایه اجتماعی کاربردهایی گوناگون و بسیار وسیع دارد. همچنین، سرمایه اجتماعی ممکن است به هیچ نهاد و موقعیت اجتماعی در سرتاسر چارچوب تصویری اش نزدیک نشود (Grootaert and Van Bastelaer, 2002).



نمودار ۱- رشد سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و شبکه‌های اجتماعی

بررسی رشد سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی و شبکه‌های اجتماعی در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ (Isham et al., 2002) نیز مؤید این نکته است که این مفهوم از منظر اجرایی جدید نیست (نمودار ۱). این مفهوم دارای سابقه فکری عمیق و ریشه‌های گوناگونی است و توانسته است بر قرون هجدهم و نوزدهم تأثیر بگذارد (Adam and Roncevic, 2003). این عقیده و نظر با عقاید اندیشمندانی از قبیل توکویل^(۱۰)، جی. اس. میل^(۱۱)، تونیس^(۱۲)، دورکیم، وبر، لوک^(۱۳)، روسو^(۱۴) و زیمل مرتبط است (Bankston and Zhou, 2002; Brewer, 2003; Lazega and Pattison, 2001; Portes and Sensenbrenner, 1993; Putnam, 1995).

راتلج^(۱۵) و آمسبرگ^(۱۶) در سال ۲۰۰۳ ثابت کردند که هانیفان اصطلاح «سرمایه» را مخصوصاً برای روشن شدن اهمیت ساختار اجتماعی برای مردم به لحاظ اقتصادی و تجاری به کار برد. وولکوک و نارایان در سال ۲۰۰۰ به تشریح جزئیات بیشتری از کار هانیفان پرداختند (Woolcock and Narayan, 2000). هانیفان هر دو وجه منافع خصوصی و عمومی سرمایه اجتماعی را برجسته کرد اما به‌رغم این نوآوری مفهومی، توجهی را برنینگخت و بدون هیچ اثری ناپدید شد (Putnam and Gass, 2002). پس از آن، مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به‌طور مستقل بازآفرینی شد: در دهه ۱۹۵۰، توسط سیلی^(۱۷) و همکارانش برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در باشگاه‌ها؛ در دهه ۱۹۶۰، توسط جاکوبز که برنامه‌ریز شهری بود، برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای غیررسمی همسایگی در کلان‌شهرهای جدید؛ و در دهه ۱۹۷۰، توسط اقتصاددانی به نام لوری^(۱۸) برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری (ibid.). اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به‌شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف‌شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن (۱۳۷۷) جامعه‌شناس آمریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) است. پس از آن، بوردیو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد و مطالعه پاتنام

(Putnam, 1993) در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، خصوصاً از عوامل گسترش این مفهوم می‌باشد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴).

سرمایه اجتماعی می‌تواند در سه سطح مورد بررسی قرار گیرد:

- سطح فردی یا خرد: به طور معمول، هر یک از افراد جامعه در شبکه یا شبکه‌هایی عضویت دارند. منافع ناشی از این عضویت می‌تواند برای فرد مفید واقع شود.

- سطح گروهی یا میانه: روابط مبتنی بر اعتماد میان اعضای گروه موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. این سرمایه در اختیار تمامی اعضای گروه قرار دارد تا از آن برای پیشبرد امورشان استفاده کنند.

- سطح اجتماعی یا کلان: تعداد زیاد گروه‌های داوطلبانه در جامعه و روابط افقی میان آنها که مبتنی بر اعتماد است، سرمایه‌ای اجتماعی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴).

اما به طور خلاصه، همان‌گونه که پاکستون متذکر می‌شود (Paxton, 1999)، می‌توان سرمایه اجتماعی را متشکل از دو مؤلفه دانست:

- پیوندهای عینی میان افراد: باید ساختار شبکه‌ای عینی وجود داشته باشد تا افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مرتبط هستند.

- نوع ذهنی پیوند: پیوندها میان افراد باید ویژه باشد- دوجانبه، مورد اعتماد، و مستلزم احساس مثبت.

وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ‌گو و کارآمد فراهم می‌سازند. اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای تابعی از موجودی فضیلت‌های اخلاقی آن جامعه است و با

همه سطوح کلان (دولت و نهادهای حکومتی)، میانه (حکومت‌های محلی، سازمان‌ها و نهادهای مدنی)، و خرد (رفتار فردی) ارتباط دارد (حاجی‌پور، ۱۳۸۵).

جدول ۲- تعاریف سرمایه اجتماعی

صاحب‌نظران	تعاریف سرمایه اجتماعی
بلیویو، آریلی، وید	یک شبکه ارتباطی شخصی منحصر به فرد و وابستگی نهادی ممتاز (Belliveau et al., 1996: 1572)
پورتس	توانایی افراد برای منافع پایدار از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا ساختارهای اجتماعی دیگر (Portes, 1998: 6)
برهم، ران	بافتی از ارتباطات تعاونی میان شهروندانی که به یکدیگر برای رفع مشکلات کمک می‌کنند (Brehm and Rahn, 1997: 999)
فوکویاما	توانایی افراد برای همکاری و تعاون با هم برای اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها (Fukuyama, 1995: 10)
کلمن	سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی چیز واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که همه آنها دو ویژگی مشترک دارند؛ اول، شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند؛ و دوم، کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختارند، اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کنند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن، دست‌نیافتنی خواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازند (Coleman, 1990: 302).
تاجبخش، ثقفی، کوهستانی‌نژاد	هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می‌کنند و با شیوه‌هایی همچون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیررسمی قابل اندازه‌گیری‌اند (تاجبخش، ثقفی، و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۵۶)
کولیر	سرمایه اجتماعی در آغاز یک دسته فرآیندهایی است که به تولید برون‌بوده‌هایی منجر می‌شود که حاصل کنش‌های اجتماعی است. بنابراین، سرمایه اجتماعی یک دسته کنش‌های اجتماعی است و شامل آن دسته‌ای است که یا خود بادوام هستند یا بر روی آنهایی که بادوام هستند، اثر می‌گذارند (Collier, 1998: 6)

بر اساس تعاریف فوق، صاحب‌نظران (بولن و انیکس، ۱۹۹۹ به نقل از شریفیان

ثانی، ۱۳۸۰) هشت عنصر مهم سرمایه اجتماعی را بدین شرح مطرح کرده‌اند:

- مشارکت در اجتماع محلی؛
- کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی؛
- احساس اعتماد و امنیت؛
- پیوندهای همسایگی؛
- پیوندهای دوستی و خانوادگی؛
- ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها؛
- بها دادن به زندگی؛ و
- پیوندهای کاری (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۲: ۱۱).

سرمایه اجتماعی و اعتماد

همان‌گونه که مشاهده می‌شود هر یک از تعاریف فوق به جنبه‌ای از سرمایه اجتماعی اشاره می‌کنند ولی در همه این تعاریف از اعتماد به‌عنوان جزء اصلی سرمایه اجتماعی نام برده شده است. در این تعاریف، شاخص‌های روان‌شناختی (اعتماد و هنجارها) و رفتارشناختی (شبکه‌ها) با هم ترکیب شده‌اند.

اعتماد به معنای باور بر مبنای این احتمال است که دیگران کارهای به‌خصوصی را انجام می‌دهند یا از انجام آن پرهیز می‌کنند. مفهوم اعتماد ممکن است برای پیش‌نگری رفتار یک شریک با توجه به تعهدات و الزامات او و امکان پیش‌بینی رفتار او در مذاکرات و تعاملات در حالی که او ممکن است با رفتار فرصت‌طلبانه نیز مواجه باشد، بیان شود. در متون پژوهشی، اعتماد را به انواع مختلفی تفکیک می‌کنند و پژوهشگران دست کم از سه نوع متفاوت از اعتماد یاد کرده‌اند:

- اعتماد بستگان و خویشاوندی؛ که بیان‌کننده اعتماد افراد جامعه به افراد خانواده، نزدیکان و دوستان است؛
- اعتماد اجتماعی (میان افراد)؛ که بیانگر اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و افراد جامعه است؛ و

• اعتماد نهادی؛ که ناظر بر احساس افراد نسبت به نهادها و یا حرفه‌های مختلف و یا حتی بخش‌های مختلف دولتی می‌باشد.

طبق نظر فوکویاما، اعتماد حاکم بر روابط میان اعضای خانواده یا قوم و قبیله لزوماً به روابط افراد در جامعه سرایت نمی‌کند. در اینجا، اعتماد تعمیم‌یافته مهم است و منظور از آن، اعتماد به افراد ناشناس می‌باشد. به‌طور معمول، سطح اعتماد در میان خانواده‌ها در همه جوامع بالاست. آنچه باعث ایجاد تفاوت‌های اساسی میان کشورها و مناطق می‌شود، میزان اعتماد تعمیم‌یافته است (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶).

برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، سرمایه انسانی و به‌ویژه سرمایه اجتماعی در کشورهای جهان سوم هنوز مورد توجه قرار نگرفته و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران مبهم باقی مانده است. بسیاری ترجیح می‌دهند شاخص ساده‌ای از سرمایه اجتماعی را برای سنجش آن بپذیرند؛ مثلاً با این سؤال که آیا مردم فکر می‌کنند می‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. این روش را در مناطق مختلفی به‌کار گرفته‌اند، ولی سطح اعتماد اندازه‌گیری شده در این جوامع بسیار متفاوت است. این آمار طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، ۳۰ درصد اما در اسکانداوی، ۶۰ درصد بود؛ در حالی که در برزیل، تنها ۳ درصد مردم به اینکه آیا می‌توان به دیگران اعتماد کرد، رأی مثبت داده‌اند.

با توجه به بررسی برخی محققان، نتایج بررسی تخمین سرمایه اجتماعی در ایران حاکی از آن است که عناصر عمده تشکیل سرمایه اجتماعی در ایران عبارت‌اند از سرمایه انسانی (آموزش) و مذهب. همچنین، از نظر رتبه‌بندی استان‌ها، استان یزد بیشترین سرمایه اجتماعی را در بین سایر استان‌ها به خود اختصاص داده است. نتایج بررسی‌ها در مورد سرمایه اجتماعی در تحقیقات قبلی نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی دارای نوسانات متعددی است که از مسائل سیاسی، تاریخی و فرهنگی ناشی می‌شود. در سال ۱۳۸۰، استان فارس بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان سرمایه اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. یزد، خراسان، اصفهان، خوزستان، و

تهران استان‌هایی هستند که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند؛ و سیستان و بلوچستان، سمنان، و کهگیلویه و بویراحمد استان‌هایی هستند که از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی رتبه‌های پایین را به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی در ایران، به‌ویژه در استان‌های محروم، نیاز به تقویت دارد و توجه به برخی از شاخص‌های آموزشی می‌تواند به تقویت آن کمک شایان توجهی کند (سعادت، ۱۳۸۵). البته نکات فوق به‌غیر از ذهنیت درونی محققان چیزی نمی‌تواند باشد، زیرا در مکان‌هایی که شبکه اجتماعی قوی‌تری وجود دارد و مردم نیز دستخوش تغییرات زندگی تجاری و صنعتی نشده‌اند و از یک بافت روستایی برخوردارند، سرمایه اجتماعی قوی‌تر است و این برخلاف رأی و نظر آقای رحمان سعادت و دیگران می‌باشد.

مواد و روش‌ها

با توجه به موضوع و مسئله پژوهش، جامعه آماری ما متشکل از ۱۳۵ روستایی از شهرستان زابل و همچنین، ۱۳۵ نفر از ساکنان شهر مرزی است. تحقیق از آنها با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است تا اطلاعاتی متناسب با متغیرها و فرض‌های تحقیق به دست آید. روستاها عبارت‌اند از جهان‌آباد سفلی، قادرآباد رخشانی، خمر، مجتمع کهک، و امیرنظام. پرسشنامه با هدف کسب اطلاعاتی متناسب با متغیرها و فرض‌های تحقیق تنظیم شده است. روستاها بر اساس عوامل مختلف مانند جمعیت، فاصله از مرز، و قدمت انتخاب شده‌اند. همچنین، شهر زهک نیز به‌عنوان نقطه شهری منطقه مرزی در نظر گرفته شده است. توزیع پرسشنامه در شهر زهک به‌صورت تصادفی و بر اساس بهره‌گیری از ساکنان مذکور بوده است. به‌غیر از اطلاعات میدانی، از آمارنامه‌های رسمی و محلی استفاده شده و همچنین، بهره‌گیری از نظرات نخبگان و ریش‌سفیدان محلی نیز به شیوه مشارکتی صورت گرفته است.

خصوصیات منطقه سیستان

طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، منطقه سیستان دارای ۱۵۸۳۷۳ نفر جمعیت می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). دشت سیستان در شمال شرقی استان سیستان و بلوچستان و در فاصله کمتر از ۲۰۰ کیلومتری مرکز آن واقع شده است. میزان متوسط بارندگی در آن ۵۸/۹ میلی‌متر در سال می‌باشد. بادهای موسمی از جمله باد ۱۲۰ روزه که گاهی شدت آن بسیار زیاد است، در منطقه شیوع دارند. منطقه سیستان دارای آب و هوای مناطق نیمه‌خشک، درجه حرارت و گرمای زیاد و بارندگی‌های اتفاقی به صورت رگبار است. مهم‌ترین منبع آبی سیستان که پایه و اساس تأمین آب کشاورزی، دامپروری و شیلات را تشکیل می‌دهد، دریاچه آب شیرین هامون و بعد از آن چاه نیمه‌ها^(۱۹) است. این منطقه در جوار کشور افغانستان واقع شده و حفظ و حراست از آن دارای اهمیت ویژه‌ای است.

روند شهرنشینی در سیستان از اواسط دهه چهل و پس از مهاجرت روستاییان منطقه به شهر زابل افزایش یافت و در حال حاضر نیز دارای نقاط شهری متعددی است. روند کند گسترش شهر زابل تا زمان انقلاب اسلامی ادامه داشت و از این مقطع به بعد، تغییر و تحولات سریع و عمیقی در تمام جوانب از جمله در زمینه احداث و ایجاد فضاهای زیستی، فارغ از تمام قید و بندها و مقررات دست و پاگیر قبل از انقلاب اسلامی، به وجود آمد. این آزادسازی و در واقع هرج و مرج در ساخت واحدهای مسکونی، با توجه به بعد زمان و عمر شهر نقطه عطفی در رشد و گسترش شهر بوده است (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۶۶: ۱۳-۱۴).

شرایط و ویژگی‌های محیطی سیستان همواره خشکسالی‌های ادواری را در طول تاریخ به همراه داشته است. بدین جهت، خشکسالی یکی از عوامل اصلی در جابه‌جایی (مهاجرت) و تخلیه آبادی‌ها به شمار می‌آید. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۳۴۵، بالغ بر ۶۸۳۸۲ نفر از سیستان مهاجرت کردند؛ از این میزان، ۷۹ درصد راهی گرگان و گنبد و مابقی راهی شهرهای مشهد، تهران، کرمان و سایر نقاط ایران شدند. در خشکسالی سال

۱۳۴۹ سیستان، حدود ۶۰۰۰۰ نفر دیگر مجبور به ترک دیار و مهاجرت به سایر شهرستان‌ها و عمدتاً گرگان و گنبد شدند. همچنین، تخمین زده می‌شود که حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر از ساکنان شهر زاهدان از مهاجران سیستانی هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰). از دیگر مواردی که مؤید اثرگذاری خشکسالی و سایر بلایای طبیعی است، تخلیه آبادی‌ها و غیرمسکونی شدن آنهاست. در سال ۱۳۷۵، از مجموع آبادی‌های شهرستان زابل (۱۰۸۳) حدود ۱۵۰ روستا خالی از سکنه بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵) که این رقم در سال ۱۳۸۱، به ۲۳۶ روستا افزایش یافت (مهندسین مشاور شارمند، ۱۳۸۳).

یافته‌ها و نتایج پژوهش

بر اساس داده‌های به دست آمده از جامعه آماری از طریق پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آنها از طریق نرم‌افزار SPSS، نتایج زیر به دست آمد:

از بین ساکنان مناطق روستایی که مورد نمونه‌گیری تصادفی قرار گرفتند، ۶۰ درصد آنها مرد و ۴۰ درصد زن و از این افراد ۴۸/۶ درصد مجرد و ۵۱/۴ درصد متأهل بودند. از این جمعیت آماری، ۴۴/۹ درصد دارای مشاغل رسمی و دولتی و ۵۵/۱ درصد دارای مشاغل غیررسمی و غیردولتی بودند. از جمله شاخص‌های مورد تحلیل در این مقاله که از مباحث عمده سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود، اعتماد است. در جامعه روستایی، در میان افراد شاغل، ۲۲/۹ درصد دارای اعتماد زیاد، ۵۴/۳ درصد دارای اعتماد در حد متوسط و ۲/۹ درصد اعتماد اندکی به همکاران کارمند خود داشتند و ۲۰ درصد باقی‌مانده پاسخی ندادند. همچنین، از میان افراد شاغل، ۲۲/۸ درصد در حد زیاد و ۵۴/۳ درصد در حد متوسط و ۲/۹ درصد در حد پایین تمایل به کمک به یکدیگر را دارند و ۲۰ درصد باقی‌مانده هم بدون پاسخ بودند. در مورد ارتباط بین کارمندان در میان افراد روستایی، ۵/۷ درصد این افراد با هم ارتباط زیاد و ۳۷/۱ درصد ارتباط متوسط و ۳۷/۲ درصد نیز ارتباط ضعیفی با یکدیگر داشتند و ۲۰ درصد افراد پاسخی ندادند. از جمله شاخص‌های دیگر سرمایه اجتماعی شاخص شناخت می‌باشد که از این

جامعه آماری، ۱۷/۱ درصد تعداد ۱ تا ۵ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند و ۲۲/۹ درصد ۵ تا ۱۰ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند و ۶۰ درصد باقی‌مانده نیز بیش از ۱۰ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند؛ و بالأخره، در مناطق روستایی، ۸۸/۶ درصد در زمینه‌های شخصی، ۲/۹ درصد در زمینه‌های علمی، ۲/۹ درصد در زمینه‌های مذهبی، ۲/۹ درصد در زمینه‌های سیاسی، و ۲/۹ درصد در سایر زمینه‌ها به دیگران اعتماد نداشتند. در مناطق شهری نیز از تعداد افرادی که به صورت تصادفی نمونه‌گیری به عمل آمد، ۷۴/۳ درصد مرد و ۴۵/۷ درصد زن بودند که از این تعداد، ۲۵/۷ درصد مجرد و ۷۴/۳ درصد متأهل بودند. از این جمعیت آماری، ۶۰ درصد دارای مشاغل رسمی و دولتی و ۴۰ درصد دارای مشاغل غیررسمی و غیردولتی بودند. از جمله شاخص‌هایی که در این مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرند و از مباحث عمده سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌روند، اعتماد است که در جامعه شهری از میان افراد شاغل، ۱۷/۱ درصد اعتماد زیاد، ۵۴/۳ درصد اعتماد در حد متوسط و ۲۰ درصد اعتماد اندکی به همکاران کارمند خود داشتند و ۸/۶ درصد افراد نیز بدون پاسخ بودند. همچنین، از این افراد شاغل، ۱۷/۱ درصد در حد زیاد، ۶۲/۹ درصد در حد متوسط، و ۱۴/۳ درصد در حد اندکی تمایل به کمک به یکدیگر داشتند و ۵/۷ درصد باقی‌مانده نیز بدون پاسخ بودند. در مورد ارتباط بین کارمندان در میان افراد شهری، ۵/۷ درصد این افراد با هم ارتباط زیاد، ۱۷/۱ درصد ارتباط متوسط و ۷۱/۴ درصد نیز ارتباط ضعیفی با یکدیگر داشتند. از جمله شاخص‌های دیگر سرمایه اجتماعی، شاخص شناخت می‌باشد که از این جامعه آماری، ۴۸/۶ درصد ۱ تا ۵ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند، ۱۷/۱ درصد ۵ تا ۱۰ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند، و ۳۴/۳ درصد باقی‌مانده نیز بیش از ۱۰ نفر از همسایگان خود را می‌شناختند. بالأخره، در مناطق شهری، ۶۲/۹ درصد در زمینه‌های شخصی، ۱۱/۴ درصد در زمینه‌های علمی، ۴/۱۱ درصد در زمینه‌های مذهبی، ۲/۹ درصد در زمینه‌های سیاسی، و ۱۱/۴ درصد در سایر زمینه‌ها به دیگران اعتماد نداشتند.

از جمله شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی مساحت خانه، اعتماد، تمایل کمک به یکدیگر، ارتباط و شناخت و عدم اعتماد می‌باشد که در اینجا، رابطه معنی‌داری با هم داشتند. بین محل زیست و تعداد اعضای خانواده رابطه معنی‌دار در سطح ۱ درصد با ضریب همبستگی $0/333$ وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد اعضای خانواده در روستا بیش از شهرهاست. بین محل زیست و اعتماد میان افراد شاغل رابطه معنی‌دار در سطح ۵ درصد با ضریب همبستگی $0/264$ وجود دارد که نشان می‌دهد اعتماد میان کارمندان روستایی بیش از کارمندان شهری است. بین محل زیست و تمایل به کمک میان افراد شاغل، رابطه معنی‌دار در سطح ۵ درصد و با ضریب همبستگی $0/270$ وجود دارد که نشان می‌دهد تمایل به کمک به یکدیگر در میان کارمندان شهری کمتر از کارمندان روستایی است. بین محل زیست و ارتباط میان افراد شاغل رابطه معنی‌دار در سطح ۵ درصد و با ضریب همبستگی $0/305$ وجود دارد که نشان می‌دهد ارتباط میان کارمندان در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. بین محل زیست و شناخت همسایگان رابطه معنی‌دار در سطح ۱ درصد با ضریب همبستگی $0/324$ وجود دارد که نشان می‌دهد ساکنان مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری از همسایگان خود شناخت بیشتری دارند. بین محل زیست و عدم اعتماد رابطه معنی‌دار در سطح ۵ درصد با ضریب همبستگی $0/294$ وجود دارد که نشان می‌دهد در شهرها افراد به یکدیگر اعتماد کمتری دارند.

پیشنهادها

منطقه سیستان به واسطه پیشینه تاریخی خود از مناطق ارزشمندی است که اثرات زیادی بر رشد مدنیت در شرق ایران داشته‌اند. این منطقه به لحاظ جغرافیایی نیز دارای ویژگی‌های خاصی همانند مرزی بودن، وابستگی عرصه زیست و فعالیت‌ها به کشاورزی، دور بودن از مرکز، خشکسالی، گرد و خاک و غبار، بادهای صد و بیست روزه، ضعف زیرساخت‌ها و بسیاری دیگر از موارد قابل بحث و بررسی می‌باشد. حفظ و حراست از این منطقه مرزی همانند سایر نقاط مرزی دارای پشتوانه منطقی و عقلانی

کافی است. در عین حال، اساس امنیت و پایداری در این منطقه بر توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی استوار است. بافت سکونتگاهی و عرصه زیستی منطقه نیز با توجه به سابقه تاریخی آن بر پراکنش روستاها تأکید دارد.

به طور کلی، با اندازه گیری های صورت گرفته در منطقه سیستان سطح اعتماد اجتماعی در بین ساکنان روستایی بیشتر از نقاط شهری است؛ در عین حال، هر چه سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی بیشتر بوده است، روستاها از پایداری بیشتری برخوردار بوده اند؛ و اکثر روستاییان تمایلی به مهاجرت نداشته اند. از طرفی، زندگی در نقاط روستایی مرزی با همبستگی و اعتماد اجتماعی امکان پذیر است و در غیر این صورت، بقای روستاها و ساکنان مرزی به خطر می افتد. بنابراین، می توان اذعان کرد که میزان سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی مورد مطالعه سیستان بیش از مناطق شهری بوده است و در عین حال، اعتماد اجتماعی موجود بین کارکنان مناطق روستایی به افزایش همگرایی و همبستگی در بین مردم مناطق روستایی سیستان منجر شده است.

ناگفته نماند که میزان تمایل به مهاجرت در روستاهایی که دارای سرمایه اجتماعی بیشتری متناسب با شاخص های مورد بررسی بوده اند، بسیار کمتر بوده است؛ و در همین راستا، میزان تمایل به مهاجرت در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی بوده است، که چه بسا مؤید آن باشد که شهری شدن می تواند به عنوان عامل و محرکی قوی برای تقویت مهاجرت عمل کند و موجبات تخلیه روستاها را فراهم سازد، به گونه ای که در صورت بر هم خوردن تعادل زیست مدار شهر و روستا در منطقه سیستان، تعادل مکانی در منطقه نیز بر هم بخورد، که بر خلاف راهبردهای اساسی در زمینه حفظ و نگهداری از مرزها به لحاظ ژئوپولیتیکی خواهد بود.

بنابراین، پیشنهاد می شود:

- به هیچ عنوان تغییری در نظام سکونتگاهی روستایی در منطقه سیستان به نفع ایجاد شهر و شهرک با هدف تمرکز جمعیت بدون پشتوانه علمی و دلایل عقلی و منطقی صورت نگیرد؛
- تلاش شود تمامی سکونتگاه های روستایی منطقه مرزی حفظ شود؛

- با توجه به اینکه اساساً روستاییان مزداران کم‌توقع و کم‌هزینه‌ای هستند، این موضوع نباید به نادیده گرفتن آنها در نظام برنامه‌ریزی منجر شود؛
- حقوق مکانی روستاییان مرزنشین با توجه به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آنها باید کاملاً مراعات شود؛
- زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه ایجاد شغل و درآمد در سطح روستاهای مرزی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ و
- لازم است اهتمام ویژه‌ای به رشد و توسعه سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی مرزی صورت گیرد.

یادداشت‌ها

1. L. J. Hanifan
2. Jane Jacobs
3. Durkheim
4. Simmel
5. Marx
6. Weber
7. P. Bourdieu
8. James Coleman
9. Robert Putnam
10. Tocqueville
11. J. S. Mill
12. Toennies
13. Locke
14. Rousseau
15. Routtedge
16. Amsberg
17. Seely
18. Loury

۱۹- منابع آب شیرین در شهرستان زهک که از طریق رود هیرمند تأمین می‌شود. این منابع گودال‌های بزرگی هستند که جنس خاک آنها نفوذناپذیر است و می‌تواند آب موجود در خود را تا مدت زیادی نگهداری کند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر شهر و جایگاه شهرهای جدید در ایران». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۷۵.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، زمستان.
- تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد و کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۵۵-۲۰۰.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، زمستان.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی محله- مینا: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار». *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۶، تابستان.
- رحمانی، تیمور و امیری، میثم (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی». *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۸، بهار.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۵)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۱، شماره ۲. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، زمستان.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۲)، «پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی». *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۵، بهار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان*.
- مهندسین مشاور شامند (۱۳۸۳)، *طرح جامع زابل*. زاهدان: سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.
- مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۶۶)، *طرح و توسعه و عمران و حوزه نفوذ و تفصیلی شهر زابل، مرحله اول*. جلد دوم. وزارت مسکن و شهرسازی، اداره کل مسکن و شهرسازی سیستان و بلوچستان.

- Adam, Frane and Roncevic, Borut (2003), "Social capital: recent debates and research trends". *Social Science Information*, 42: 155-183.
- Aldridge, Stephen; Halpern, David; and Fitzpatrick, Sarah (2002), *Social Capital: A Discussion Paper*. London: Performance and Innovation Unit.
- Bankston, Carl L. and Zhou, Min (2002), "Social capital as a process: the meanings and problems of a theoretical metaphor". *Sociological Inquiry*, 72: 285-317.
- Belliveau, M. A.; O'Reilly, C. A. III; and Wade, J. B. (1996), "Social capital at the top: effects of social similarity and status on CEO compensation". *Academy of Management Journal*, 39: 1568-1593.
- Boix, Carles and Posner, Daniel N. (1998), "Social capital: explaining its origins and effects on government performance". *British Journal of Political Science*, 28: 686-94.
- Brehm, John and Rahn, W. (1997), "Individual-level evidence for the causes and consequences of social capital". *American Journal of Political Science*, 41: 999-1023 .
- Brewer, Gene A. (2003), "Building social capital: civic attitudes and behavior of public servants". *Journal of Public Administration Research and Theory*, 13: 5-26.
- Collier, Paul (1998), *Social capital and poverty*. World Bank.
- Fukuyama, Francis (1995), *Trust: the Social Virtues and the Creation of Prosperity*. London: Hamish Hamilton.
- Grootaert, Christian and Van Bastelaer, Thierry (2002), "Introduction and overview". In: *The Role of Social Capital in Development*, edited by Thierry Van Bastelaer. Melbourne: Cambridge University Press.
- Halpern, David (2001), "Moral values, social trust and inequality: can values explain crime?". *British Journal of Criminology*.

- Isham, Jonathan; Kelley, Thomas; and Ramaswamy, Sunder (2002), "Social capital and well-being in developing countries: an introduction". In: *Social Capital and Economic Development: Well-being in Developing Countries*, edited by Sunder Ramaswamy. Cheltenham, UK: Edward Elgar.
- Labonte, Ronald (1999), "Social capital and community development". *Australian and New Zealand Journal of Public Health*, 23: 430-433.
- Lazega, Emmanuel and Pattison, Phillipa E. (2001), "Social capital as social mechanisms and collective assets: the example of status auctions among colleagues". In: *Social Capital: Theory and Research*, edited by Ronald Burt. New York: Aldine de Gruyter. 185-208.
- Paxton Pamela (1999), "Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment". *The American Journal of Sociology*. V 105 (July).
- Portes, Alejandro (1998), "Social capital: its origins and applications in modern sociology". *Annual Review of Sociology*, 24: 1-25.
- Portes, Alejandro and Sensenbrenner, Julia (1993), "Embeddedness and immigration: notes on the social determinants of economic action". *American Journal of Sociology*, 98: 1320-1350.
- Putnam, Robert D. (1993), "Making Democracy Work", *Princeton University Press*.
- Putnam, Robert D. (1995), "Bowling alone: America's declining social capital". *Journal of Democracy*, 6: 65-78.
- Putnam, Robert D. and Goss, Kristin A (2002), "Introduction" In Putnam, Robert (ed), *Democracies in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. Oxford University Press.
- Smith, Stephen Samuel and Kulynych, Jessica (2002), "It may be social, but why is it capital? the social construction of social capital and the politics of language". *Politics & Society*, 30: 149-186.

-
- Szreter, Simon (2000), "Social capital, the economy, and education in historical perspective". In: *Social Capital: Critical Perspectives*, edited by Tom Schuller: Oxford: Oxford University Press. 56-77.
- Watson, George W. and Papamarcos, Steven D. (2002), "Social capital and organizational commitment". *Journal of Business and Psychology*, 16: 537-552.
- Woolcock, Michael and Narayan, Deepa (2000), "Social capital: implications for development theory, research, and policy". *The*